بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 15 اسفند 1394.

15/ 12/ 94

خب در روایاتی که قبلا خواندیم متأسفانه در جامع احادیث یک مقدار حالا افتادگی دارد چی هست یک سری روایت ها را ارجاع نداده است این است که از قلم من هم طبیعتا افتاده بود پنج شش روایت شاید افتاده باشد که در ارجاعات ایشان نیست. یک بابی در جامع احادیث جلد 27 هست. باب ان الزوج اذا مات فی العدة الرجعیه فاعتد زوجه عدة الوفات در این باب چند روایت مربوط به روایت های بحث ما هست ایشان یکی اش را فقط ارجاع داده است و فکر می کنم که افتادگی ای چیزی رخ داده است یا مثلا این یکی را دیده است دیگر بقیه اش را حالا، به هر حال ندارد دیگر. از این باب یکی روایت ابن سنان هست. این روایت روایت ششم این باب هست. 40671 این روایت هست شروع روایت

**عَلِیُّ بْنُ إِسْمَاعِیلَ الْمِیثَمِیُّ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع فِی رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثُمَّ تُوُفِّیَ وَ هِیَ فِی عِدَّتِهَا أَنَّهَا تَرِثُهُ وَ تَعْتَدُّ عِدَّةَ الْمُتَوَفَّی عَنْهَا زَوْجُهَا وَ إِنْ تُوُفِّیَتْ وَ هِیَ فِی عِدَّتِهَا یَرِثُهَا وَ کُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا یَرِثُ مِنْ دِیَةِ صَاحِبِهِ لَوْ قُتِلَ مَا لَمْ یَقْتُلْ أَحَدُهُمَا الْآخَرَ**

اینها روایت های مهمی است در این بحث چون خصوص دیه مورد بحث قرار گرفته است اصلا تعیین کننده است در این بحث ها. سند این روایت با علی بن اسماعیل میثمی شروع می شود. حالا بقیه سند را توضیح می دهم و بعد بر میگردم روی علی بن اسماعیل میثمی. حماد در این سند حماد بن عیسی است. عن عبدالله بن مغیره عن ابن سنان هم عبدالله بن سنان هست. عرض کنم خدمت شما حماد بن عیسی یک ویژگی ای داشته است که در شرح حالش هم در رجال نجاشی اشاره شده است و یک قدری هم با تحریف در رجال نجاشی نقل شده است که حماد بن عیسی با وجودی که از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است با این حال انقدر آدم محتاطی بوده است و دقت داشته است که گاهی اوقات از کسانی که از خودش هم طبقتا متأخر بوده است نقل می کرده است. در رجال نجاشی دارد و بلغ من صدقه انه روی عن جعفر بن محمد و روی عن عبدالله بن مغیره و عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله. آن واو غلط است. و روی عن عبدالله بن مغیره عن عبدالله بن سنان هست. یعنی با وجود اینکه خودش از اصحاب امام صادق بوده است از کسانی که با واسطه از امام صادق هم نقل می کنند از آنها هم روایت می کند که این...

سوال:...

پاسخ: به جهت احتیاط اشاره دارد در قبلش هم که می گوید که یعنی ابا ند اشته است از اشخاصی که از خودش کوچکتر باشند نقل کند. عبدالله بن ممغیره از جهت سنی تقریبا

در رده شاگردان حماد بن عیسی است. می گوید از کسانی که در رده شاگرد ها هم باشد، از نقل کردنش عبا نداشته است. خب این علی نب اسماعیل میثمی،

سوال:...

پاسخ: اصلا آن که در روایات مکرر هست حماد بن عیسی عبدالله بن مغیره عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله است اصلا نکته اش هم روی همین است آن که می خواهد تکیه کند تکیه روی این است که آره دو واسطه اصلا نکته اش روی همین است که با وجودی که خودش از اصحاب امام صادق است با دو واسطه هم از امام صادق نقل کرده است یعنی از کسانی که از جهت طبقه یک طبقه متأخر از خودش هستند تکیه اش روی این نکته اش است اصلا. مکرر است حماد بن عیسی عن عبدالله بن مغیره عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله علیه السلام این اصلا تکیه اش روی این است که می خواهد بگوید با وجودی که خودش مستقیم نقل می کند از کسانی که با واسطه از امام صادق نقل می کنند یعنی طبقه شان متأخر از طبقه او هست از آن نقل می کند. این تکیه به این است که می خواهد بگوید که از طبقه متأخر هست و اینها. خب علی بن اسماعیل میثمی که در صدر اسناد کتاب نکاح و کتاب، در صدر اسناد کتاب نکاح و کتاب طلاق تهذیب کسی به نام علی بن اسماعیل میثمی واقع شده است. خب این یک علی بن اسماعیل میثمی معروف داریم که متکلم مشهوری بوده است و از اصحاب امام رضا بوده است ابتدائا به ذهن می رسد که مراد از این علی بن اسماعیل همان علی بن اسماعیل میثمی معروف باشد. حالا خب یک مشکلی که هست این است که این علی بن اسماعیل میثمی طبقه اش اصلا با او جور نمی آید. علی بن اسماعیل میثمی از اصحاب امام رضا است و این از امثال ابن ابی عمیر و از این طبقه نقل می کند. از امثال ابن ابی عمیر که متوفی دویست و هفده و امثال اینها هست. تمام مشایخ این علی بن ابراهیم که در آغاز اسناد کتاب نکاح و کتاب طلاق واقع هست ملاحظه بفرمایید، این در طبقه متأخری هست. این است که حاج آقا یک احتمال مطرح فرموده اند که اینجا یک تحریفی رخ داده است. دو تا علی بن اسماعیل بوده اند یک علی بن اسماعیل بن عیسی پسر عموی احمد بن محمد بن عیسی که همان علی بن سندی هم هست. که این علی بن اسماعیل همان کأنه علی بن اسماعیل بن عیسی هست که طبقه اش دقیقا با این طبقه سازگار هست. خب این اینجوری کدنه اشتباه شده است بین علی بن اسماعیل میثمی با علی بن اسماعیل بن عیسی. من این بحث ها را دنبال می کردم به تناسب در ذیل یک رساله ای در مورد آل میثم نوشته ام در ذیلش این بحث علی بن اسماعیل میثمی را به طور مستقل بحث کرده ام پنجاه شصت صفحه ای در موردش بحث کرده ام در اینکه این غیر از آ« علی بن اسماعیل میثمی معروف است و طبقه ای با او سازگار نیست هیچ تردیدی نیست. ولی و اشتباهی در اینجا رخ داده است. ولی اینکه این اشتباه اگر ما بحث اصل اشتباه را مسلم بگیریم که همین جور هم هست اصل اینکه اصلا آن مؤلف کتابی که شیخ طوسی از کتاب او اخذ می کند علی بن اسماعیل بن عیسی باشد، این هیچ شاهدی برایش ما نداریم. اولا علی بن اسماعیل بن عیسی صاحب کتاب نیست کسی کتاب به او نسبت نداده است و این شخص شخصی است که صاحب کتاب است. ثانیا حالا که اشتباه رخ داده است اشتباه منحصر به این نیست کهاسم مؤلف یکی بوده است و غاطی شده است. یک وجوه دیگری از آن وجود دارد و آن وجوه دیگر این اشتباه را می تواند توجیه کند. من دنبال کردم کسانی که این علی بن اسماعیل یا علی

بن اسماعیل میثمی در آغاز اسناد کتاب طلاق و کتاب نکاح تهذیب است. همه کسانی را که این علی بن اسماعیل از او نقل کرده است ده پانزده نفری هستند کسی که از همه آنها نقل می کند علی بن مهزیار است. تنها کسی که از همه آنها. حسین بن سعید از اکثر آنها نقل می کند ولی آن کسی که از همه آنها نقل می کند علی بن مهزیار است. و رو همین جهت به نظرم رسید که این باید علی بن مهزیار باشد و این نکته ای که اینجا هست این است که علی بن مهزیار در بعضی اسناد از علی بن اسماعیل میثمی روایت دارد. در تاریخ طبری دو جا روایت علی بن مهزیار از علی بن اسماعیل میثمی نقل شده است و این احتمالی وجود دارد احتمال جدی که هست این است که بین شاگرد و استاد قاطی شده است. چون یک رسمی در زمان های قدیم بوده است که نام مؤلف کتاب را در اول سند می نوشتند. در آغاز سند ها مثلا در محاسن به صورت ضمیر نام علی بن، عنه معمولا دارد. در آغاز اسناد مثلا بصائر الدرجات احیانا اسم محمد بن حسن صفار واقع شده است. نام مؤلف کتاب در اول سند ذکر می شده است. این احتمال جدی هست که در آغاز آن نسخه ای از این کتاب که در اختیار شیخ بوده است علی بن اسماعیل میثمی اول سند بوده است و شیخ تصور کرده است که این کتاب مال علی بن اسماعیل میثمی است و آن مؤلف کتاب است. در حالی که کتاب علی بن مهزیار بوده است و علی بن اسماعیل میثمی استادش بوده است و قاطی بین استاد و شاگرد شده است. خلط بین استاد و شاگرد موارد مکرری وجود دارد. این اجمالی از این بحث.

سوال:... علی بن مهزیار بوده است..

پاسخ: کتاب مال علی بن مهزیار بوده است چون روایتی از علی بن اسماعیل میثمی اول آن کتاب واقع شده بوده است گمان شده است که این کتاب، کتاب علی بن اسماعیل میثمی است در حالی که کتاب علی بن اسماعیل میثمی نبوده است و کتاب علی بن مهزیار بوده است و این است که تمام مشایخی که در اینجا واقع هستند با مشایخ علی بن مهزیار یکی باشند تصادفی نمی تواند باشد. هیچ کس دیگری غیر از علی بن مهزیار با این مؤلف این کتاب در تمام مشایخ متحد نیست. اما اتحادی که بین حسین بن سعید و علی بن مهزیار آن همه شباهتی که دارد آن علتش این است که علی بن مهزیار، آن هم مؤید این مطلب است که مال علی بن مهزیار است. علی بن مهزیار کتاب هایش اصلش مال کتاب حسین بن سعید بوده است. در شرح حال علی بن مهزیار هم هست که علی بن مهزیار کتاب های حسین بن سعید را گرفته است و زاد علیه اشیاء یثیره امثال اینها. که اصل کتاب یعنی علی بن مهزیار هم در مرحله اولی مال حسین بن سعید بوده است و این همه شباهت بین کتاب های علی بن مهزیار و کتاب حسین بن سعید هم به خاطر این هست که محور کتاب آقای علی بن مهزیار هم کتاب حسین بن سعید بوده است. این اجمال هست حالا بحث مفصلی که دنبال کردیم.

سوال: ...

پاسخ: من مطمئنم و این همه، نمی شود این همه یعنی فرض کنید شما شاید دو نفر راوی پیدا نمی کنید که در تمام مشایخ یکی باشند. در کل اسناد شما این را دنبال کنید. دو نفر راوی پیدا نخواهید کرد که در همه مشایخ یکی باشند. به نظر من در کمتر از این هم انسان اطمینان برایش حاصل شود.

سوال:....

پاسخ: نه، علی بن مهزیار این علی بن اسماعیل که اینجا هست، عرض کنم مشایخی که بین علی بن اسماعیل هستند تمام مشایخ، مشایخ علی بن مهزیار هستند. علی بن مهزیار غیر از اینها مشایخ دیگر دارد ولی مشایخی که اینجا واقع هستند، این مشایخ تمامشان مشایخ علی بن مهزیار هستند و الا علی بن مهزیار منحصر به اینها نیست یعنی همه کسانی که این علی بن اسماعیل یا علی بن اسماعیل میثمی در آغاز اسناد به اصطلاح کتاب طلاق و نکاح و ظاهرا این اشتباه، اشتباهی بوده است که در بغداد اصلا این اشتباه رخ داده است. این است که در نجاشی هم کتاب طلاق و کتاب نکاح را در شرح حال همان علی بن اسماعیل میثمی معروف به آنها کتاب طلاق و نکاح نسبت داده اند در حالی که هیچ جایی غیر از این اسناد مربوط به تهذیب جای دیگری ما ندیدیم که از علی بن اسماعیل میثمی یک کتابی روایت های خاصی در مورد طلاق و نکاح، البته علی بن اسماعیل میثمی گاهی اوقات در اسناد فقهی هم واقع شده است ولی چیز اصلی اش فقهی نیست. متکلم است. متکلم و مورخ. جنبه مورخ هم بوده است و جنبه تاریخ نگاری اش هم بوده است.

سوال: جای دیگر از علی بن مهزیار نقل نشده است که مثلا کافی یا فقیه مثلا...

پاسخ: آن را حالا نمی دانم. اساسا یک نکته ای عرض کنم علی بن مهزیار به دلیل اینکه اصل کتاب هایش مال حسین بن سعید بوده است و اضافاتش مال علی بن مهزیار است، چندان از علی بن مهزیار خیلی جزو منابع اصلی نبوده است چون اصل آن چیزی که منبع اصلی که اینها مراجعه می کردند به همان کتاب حسین بن سعید مراجعه می کردند که منبع اصلی، خرده ریزهایی داشته است و به همین دلیل خیلی نسبت به کتاب علی بن مهزیار شناخت کافی نداشته اند. این که علت اینکه شناخت نداشته اند چون منبع اصلی نبوده است کتاب های حسین بن سعید خب یک کتاب مهم بوده است و مهم ترین منبع قبل از کتب اربعه شاید چهار پنج تا کتاب بخواهیم نام ببریم یکش کتاب حسین بن سعید است. ولی علی بن مهزیار چون یک مقداری خرده ریزه اضافه داشته است البته می گوید در دو سه تا کتاب اضافاتش زیاد است. کتاب زکات صلوة شرح حال علی بن مهزیار هست. آنها اضافاتش زیاد است در آنجا ها خب از آنها اخذ و اقتباس زیاد شده است. اما در کتاب طلاق و نکاح و اینها چون افزوده هایش کم بوده است این چیز نشده است. همین جاها هم بعضی جاها هم علی بن اسماعیل میثمی نقل کرده است و هم حسین بن سعید. همین روایت واحد را که این هم جزو مؤیدات این هست که مال چیز هست

سوال:....

پاسخ: علی بن مهزیار را جای علی بن اسماعیل میثمی. یعنی مؤلف کتاب علی بن مهزیار است ایشان اشتباه کرده است و مؤلف کتاب را استادش قرار داده است.

سوال: چرا اسم آن را آورده است.

پاسخ: اشتباه کرده است

سوال:....

پاسخ: جهتش را عرض کردم دیگر بین شاگرد و استاد قاطی کرده است. چون اولین سندی که در این کتاب نسخه واقع شده است اولین کتابش علی بن اسماعیل میثمی بوده است، تصور کرده،

سوال:...

پاسخ: نه خیال کرده اند که این کتاب مال علی بن اسماعیل میثمی است. کتابی که مال علی بن مهزیار بوده است نسخه ای از کتاب علی بن مهزیار که با روایتی که مدعو با اسماعیل بن میثمی آغاز می شده است این نسخه اشتباه شده است خیال کرده اند که این کتاب، کتاب علی بن اسماعیل میثمی است در حالی که این نسخه ای از کتاب علی بن مهزیار بوده است و آن هم روایت علی بن مهزیار از علی بن اسماعیل میثمی بوده است. این اجمال این بحث.

سوال: همان میثمی متکلم معروف؟

پاسخ: بله بله.

بنابراین، این اجمال این بحث. بنابراین اینکه در برنامه درایه النور اگر نگاه کنید تمام این موارد علی بن اسماعیل میثمی، علی بن مهزیار زده شده است. به نظر من کسی که یک مقداری با این چیزها آشنا باشد مطمئن می شود که این مال علی بن مهزیار است. و ما این را می گویم حتما اعمال هم کرده ایم، اینکه می گویید مطمئن هستید تا این حد که در برنامه هم اعمال کردیم. خب این بحث. روایت بعدی که آن هم از عبدالله بن سنان هست ظاهرا همین روایت هست. یک مقداری فقط بعضی تکه هایش در بعضی از نقل ها هست و بعضی تکه هایش در بعضی نق لها نیست. همین روایت عبدالله بن سنان هست. با دو طریق. یک طریق، طریقی هست که در، در کافی می گوید **حمید بن زیاد عن الحسن بن سمائه عن حماد بن زیاد عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله علیه السلام قال قضی امیر المؤمنین فی رجلٍ طلّق امرأة** که این را به عنوان قضایا امیر المؤمنین ذکر کرده است. ذیلش این است **و کل واحدٍ منهما یرث من دیة صاحبه ما لم یقتل احدهما الآخر**. که این ما لم یقتل احدهما الآخر دارد.

این روایت موثقه است. حمید بن زیاد واقفی ثقه است حسن بن سمائه واقفی ثقه است. محمد بن زیاد هم ابن ابی عمیر معروف است. حالا بحث مفصلی دارد که محمد بن زیادی که حسن بن سمائه نقل می کند ابن ابی عمیر است. بعضی ها، آقای خوئی استظهار کرده است که محمد بن زیاد بن الحسن العطار هست ولی ما در جای خودش چیز کردیم که این مطلب درست نیست و این محمد بن زیاد مراد ابن ابی عمیر است. که در همین روایت مسئله هم محمد بن زیاد بن عیسی داشتیم که خواندم دیروز. بعدش دارد **و زاد فیه محمد بن ابی حمزه و تعتد عده المتوفی عنها زوجها.** این و زاد فیه محمد بن ابی حمزه عبارت مال حسن بن سمائه است. حسن بن سمائه این روایت را از طریق محمد بن زیاد که نقل کرده است می گوید محمد بن ابی حمزه هم همین مطلب را نقل کرده است ولی اضافه دارد. ظاهرا محمد بن ابی حمزه هم از عبدالله بن سنان نقل می کند. عن ابی عبدالله علیه السلام. ولی قال الحسن بن سمائه و هذا الکلام سقط من کتاب ابن زیاد و لا اذنه الا و قد رواه. می گوید در کتابش نیست ولی کأنه روایت شفاهی که از او شنیدم به نظرم که آن را روایت کرده است. در کتاب محمد بن زیاد

ولی عبارت افتادگی دارد. خب و تعتد عده المتوفی عنها زوجها در آن روایت عبدالله بن سنانی که در روایت های دیگر هست آن هست. این عبارت، عبارتی هست که و لا اذنه الا و قد رواه، ظاهرا مراد این هست که و لا اذنه محمد بن زیاد الا و قد رواه. نه اینکه و لا اذنه عبدالله بن سنان الا و قد رواه. کأنه اختلاف نقل هست مضمون هم این است که این وجود دارد. نه، به نظرم لا اذنه مرجع ضمیرش محمد بن زیاد است. یعنی محمد بن زیاد ولو این مطلب از کتابش ساقط شده است ولی به نظرم در نقل شفاهی که کأنه بر ما نقل کرد این مطلب وجود داشت. خب روایت موثقه است و آن محمد بن ابی حمزه هم خیلی به بحث ما ارتباطی ندارد. آن هم در واقع یک نقل دیگر از عبدالله بن سنان است. دو سه نقل در واقع از عبدالله بن سنان هست یکی حسن بن سمائه عن محمد بن ابی حمزه عن عبدالله بن سنان که این زیاده را دارد. عبدالله بن مغیره عن عبدالله بن سنان که باز هم زیاده را دارد. یکی هم محمد بن زیاد عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله علیه السلام که در کتاب محمد بن زیاد این زیاده نیست ولی مظنون حسن بن سمائه این هست که در نقل شفاهی اش هست. مجموعا چهار تا نقل اینجا در می آید. خب این هم این مطلب. روایت بعدی روایت هشتم این باب هست که علی بن ابراهیم، این روایت در کافی و تهذیب به چند نقل وارد شده است. در کافی

**علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی نجران و احمد بن محمد بن ابی نصر عن عاصم بن حمید عن محمد بن قیس**

خب علی ابن ابراهیم این سند بحثی در اعتبارش ندارد فقط همان بحث معروف ابراهیم بن هاشم هست که ما روایت ابراهیم بن هاشم را حسنه نمی دانیم بلکه صحیحه می دانیم. روایت دوم

**علی بن حسن بن فضال عن عبدالرحمن بن ابی نجران و سندی بن محمد عن عاصم بن حمید حناط عن محمد بن قیس**

روایت موثقه است. علی بن حسن بن فضال فطحی ثقه است. نقل سوم

**حسین بن سعید عن النضر بن سوید و احمد بن محمد**

احمد بن محمدی که حسین بن سعید از او نقل می کند همان احمد بن محمد ابی نصیر بزنطی است که در نقل کافی هم بود.

**عن عاصم بن حمید عن محمد بن قیس عن ابی جعفر علیه السلام**

این دیگر نقل صحیحه است دیگر در صحت این نقل تردیدی نیست.

**قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ أَیُّمَا امْرَأَةٍ طُلِّقَتْ ثُمَّ تُوُفِّیَ عَنْهَا زَوْجُهَا قَبْلَ أَنْ تَنْقَضِیَ عِدَّتُهَا**

بحث عده و اینها را مطرح کرده است و در ذیل آن دارد که

**و ان قُتِلَ**

شوهر اگر، شوهری که زنش را طلاق داده است کشته شود. زن مطلقه رجعیه

**ورثت هی من دیته و ان قتلت ورث من دیتها**

مطلقه رجعیه به منزله زوج هست هم شوهر از زن ارث می برد و هم زن از شوهر ارث می برد

**ما لم یقتل احدهما الآخر**

تا وقتی که یکی از اینها دیگری را نکشد.

سوال: ... روایت امام با یک قضیه خارجی مثلا وثاقت اینها ثابت می شود قدرت معارضه با صحیح را دارد؟

پاسخ: خب آن صحیحه دارد دیگر

سوال: نه قدرت معارضه با روایت صحیح دارد یا خیر. یک همچین موثقه هایی که امام توثیق کرده است مثل ابن غضائری..

پاسخ: نه حالا آن را یک بار بحثش را کردیم. همین بحث علی بن حسن دقیقا همین را بحثش را یک روز کردیم دیگر. اینکه می خواستیم بگوییم آیا این چیز دارد یا خیر دقیقا همین را صغرویا و کبرویا بحثش را کردیم. اولا علی بن حسن بن فضال داخل در توثیق امام هست یا کبرویا

سوال:... می خواهم ببینم این موثقه می تواند جلوی صحیحه بایستد؟

پاسخ: باید دید تعبیر همان تعبیر آن روایت ناظر به چیست. آیا ناظر به این هست که می خوهد اطلاق وثاقت درست کند. اگر اطلاق وثاقت درست کند خب بله این می شود. ولی اگر نه بحثش این هست که می خواهد اصل حجیت ذاتیه را درست کند، حجیت ذاتیه را درست کند دیگر اطلاقش اثبات نمی شود. خب این هم روایت دوم. روایت بعدی اش همان روایتی بود که علی بن حسن بن فضال، این را قبلا خواندم. عن اخویه عن عاصم بن حمید. که ما می گفتیم این اخویه یک اشتباهی رخ داده است باید همان ابن ابی نجران و سندی بن محمد باشد. منن این روایت قبلی هم مؤید همان مطلبی هست که ما عرض می کردیم. مراجعه کردم دیدم که مرحوم آقای بروجردی در ترتیب اسانید تهذیب و در طبقات رجال این سند را آورده اند. علی بن حسن بن فضال عن اخویه را گفته اند بعدش باید عن ابیهما سقط شده باشد. آقای غفاری هم در چاپ تهذیب که هست عن ابیه را اصلا داخل کرده است در سند یک مقدار بیشتر از ظاهر. داخل سند با بین المقوفتین عن ابهما را اضافه کرده است و به سند افزوده است که خیلی کار بدی است. اصلا به هیچ وجه نباید استنباطات را داخل سند کرد. یکی از اشتباهاتی که در آقای غفاری خدا رحمتشان کند هست همین است که احیانا یک استنباطاتی که می کرد داخل سند می کرد ولو با خیلی هایش را با مثلا کروشه ای چیزی هست ولی این مطلب نادرست است چون به خصوص کروشه یک جایگاه دیگری هم در چیز دارد، جایی که در بعضی نسخ یک عبارت هست و در بعضی نسخ نیست با استفاده از کروشه هم می کنند. خیلی وقت ها ممکن است این توهم شود که عن ابیهما بعضی از نسخ وجود دارد. در حالی که اینها اضافات استنباطی و اجتهادی است. به هیچ وجه نباید اینها را داخل در سند کرد. من عرض کردم که هیچ جایی بین علی بن حسن بن فضال و عاصم بن حمید از طریق اخویه عن ابیهما هیچ جا نقل نکرده است. همه جا واسطه بین این دو تا عبدالرحمن بن ابی نجران و سندی بن محمد هست که موارد

آدرس هایش را در جلسه قبل دادم یک مورد هم علاوه بر این دو تا نفر سوم دیگری هم ضمیمه شده بود. این نکته ای که می خواهم عرض کنم این است یک توجه بفرمایید. چطور شده است که مرحوم اقای بروجردی عن ابیهما را گفته است اینجا باید سقط شده باشد؟ این احتمالی که ما مطرح می کردیم که اینجا یک عنهما بوده است و اشتباه شده است عنهما را اشتباه ارجاع داده شده است این احتمال را نداده است و قبل از این، این نکته را بگویم این روایت عن اخویه در تهذیب قبلش هم عن اخویه هست. یک روایت قبلی اش هم که تهذیب نقل می کند عن اخویه عن ابیهما عن عبدالله بن بکیر است. ما احتمال می دهیم که این وسط همین روایتی که تهذیب نقل می کند علی بن حسن بن فضال عن عبدالرحمن بن ابی نجران وسندی بن محمد که دقیقا متنش هم در همین مضمون هست این روایت در کتاب علی بن حسن بن فضال بین این دو تا واقع شده بوده است. روایت اول این بوده است که علی بن حسن بن فضال عن أخویه عن ابیهما عن عبدالله بن بکیر و روایت بعدی همین روایت مورد بحث ما عبدالله بن ابی نجران و سندی بن محمد عن عاصم بن حمید الحناط روایت بعدی عنهما عن عاصم بن حمید بوده است. ایشان عنهما را که دیده است برگردانده است به آن أخویه یعنی واسطه شدن این روایت، یکی از چیزهایی که اشتباهاتی که گاهی اوقات رخ می دهد ارجاع ضمیر به یک سند بالاتر. غفلت می شود توسط، شیخ زیاد رخ داده است این مطلب شما مراجعه می کنید می بینید که ایشان از کافی اخذ کرده است و در کافی دو روایت پشت سر هم بوده است به جای اینکه به روایت قبلی برگردد به یک روایت قبل تر آن برگردانده است با سرعت اخذ این خیلی شایع هست مواردی که در کلام شیخ اینجور رخ داده است زیاد است. خب عرض من یک نکته دیگر بحث است. آن این است که چطور شده است که آقای بروجردی احتمال عن ابیهما را مطرح کرده است ولی آن احتمالی که ما می دادیم را اصلا مطرح نکرده است علت اصلی آن این است که آقای بروجردی این احتمالات را از ترتیب الاسانید استخراج کرده است. ترتیب الاسانید به ترتیب اول و آخر است دیگر. یعنی سند ها را مرتب کردن هست. خب ایشان تمام روایت های عن أخویه را که زیر هم آورده است دیده است که خیلی جا ها این أخویه عن ابیهما نقل می کند. از طرف دیگر أبیهما، حسن بن علی بن فضال هم راوی از عاصم بن حمید است جاهای دیگر خب مراجعه کرده است ایشان دیده است که ابیهما از عاصم بن حمید نقل می کند و طبقه عاصم بن حمید هم طبقه ای هست که حسن بن علی بن حسن بن فضال باید نقل کند نه پسرانش نقل کنند. این منشأ شده است این مطلب را ایشان فرموده است. یعنی ترتیب الاسانید این احتمال را به ایشان داده است. ولی ما آمده ایم به جای بحث ترتیب الاسانید واسطه بین علی بن حسن بن فضال و عاصم بن حمید را بررسی کردیم. این واسطه بررسی کردن با ترتیب الاسانید به دست نمی آید. چون واسطه باید تمام روایت هایی که در آن علی بن حسن بن فضال واقع است و عاصم بن حمید این روایت ها را آدم بررسی کند. بررسی اینها یک در برنامه کامپیوتری می شود دنبال کرد برنامه ارتباط، بحث ارتباطات آ« یک جور است من البته در این کار به ارتباطات مراجعه نکردم. ارتباطات یک مشکلی دارد که چاره ای هم ما نداشتیم. آن این است که ما سند هایی را که واو دارد را به ناچار به دو سند تبدیل کرده ایم یا به یک سند. در نتیجه ارتباطات سند ها را اینکه تک سندی است یا دو سندی است سه سندی است، اینها همه سند ها تبدیل شده است به سند های غیر معطوف. یعنی سند های عطفی ما دو سه سند شده است راحت نیست از آن ارتباطات در این بحث ما نحن فیه

استفاده کردن. من برای این کار چه کار کردم، اولا مواردی که علی بن حسن در سند بوده است در یک برنامه کامپیوتری، زدم علی بن حسن فلش در واقع عاصم بن حمید. یعنی روایت های علی بن حسن در آن بوده است و عاصم بن حمید هم در آن بوده است این موارد را جست جو کردم. خب البته یک سری موارد بیخود هم می آورد. چون علی بن حسن. اولا علی بن حسن بن فضال نزدم چون خیلی وقت ها شیخ طوسی از علی بن حسن بن فضال با علی بن حسن خالی یاد می کند. خب

سوال:...

پاسخ: علی یادم نمی آید جایی علی یاد کرده باشد. تک و توک ممکن است ولی قطعا زیاد نیست. آن که هست علی بن حسن هست یا علی بن حسن بن فضال هست علی خالی حالا باید ببینم آن چقدر هست. خب از این طریق یک حجم زیادی از این روایات ما در آوردیم. یک چیز دیگری هم اینجا ما داریم آن این است که بعضی جا ها با ضمیر عنه تهذیب یاد کرده است چون علی بن حسن بن فضال اول سند ها هست و منبع کتاب هست گاهی اوقات هم ممکن است عنه باشد. یک جستجوی دیگر هم زدم عنه فلش عاصم بن حمید. که بیشتر آن هم روی تهذیب زوم کرده ام. مواردی که مرجع ضمیرش را مشخص کردم. خب طبیعتا این چیز جدید موارد آدرس های بی ربط خیلی آورده است ولی چاره ای نبود بالاخره اگر می خواستیم امتیاز برنامه درایه النور این بود که ما ضمیر ها را مرجع هایش را تعیین کردیم. اگر آن برنامه درایه النور را می توانستیم کاری کنیم که این هم مرجع ضمیر را تعیین کنیم هم آن واو های عطفش را از هم تفکیک نکنیم. خب خیلی خوب بود ولی چاره ای نبود باید یک مقداری بالاخره از بعضی از امکانات و بعضی از توانایی برنامه می کاستیم. ترجیح دادیم که سند ها را تفکیک کنیم بعضی از این جور مواردی که این مشکل، این جور فایده ها از اسناد بر می آمد این خلاصه این فایده ها را ازش چشم پوشی کنیم. در نتیجه عرض می کنم من خودم شخصا بیش از همه بیش از درایه النور از جامع الاحادیث در بحث سندی استفاده می کنم. درایه النور خب خوب هست ولی بعضی از این چیزهای ریزه کاری هایی که وجود دارد که این جور سند ها از دست آدم در می رود و نمی شود راحت چیز کرد. ولی خب در جامع الاحادیث شما کار می کنید البته جواب های بی ربط هم خیلی می اورد یعنی فرض کنید این دو جستجویی که، به خصوص جستجوی عنه فلش عاصم بن حمید را که زدم شاید مثلا در خود تهذیبش پنجاه تا روایت آورد از این پنجاه تا روایت یکی دو تا به درد ما می خورد. ولی خب بالاخره ما تمام اینها را گشتیم. آن آدرس هایی که در جلسه قبل می دادم آن آدرس ها نتیجه خیلی گشتن های این مدلی هست بالاخره باید آدم حدس بزنم که با چه الفاظی اینها بوده است و یک مقداری بگردد و امثال اینها. فعلا یک مقداری روش های دستی کامپیوتری تلفیقی از روش های دستی و کامپیوتری و حدس و گمان و اینها باعث می شود که یک مقداری جستجوهای نزدیک به واقع. همان علی که شما گفتید آن را من دنبال نکردم چون علی می خواستم علی عاصم بن حمید را بزنم تمام روایت های علی بن ابراهیم را هم می آورد. آن دیگر یعنی کل روایت های علی بن ابراهیم عن عاصم بن حمید را باید جستجو می کردم بهتر از آن بود خود عاصم بن حمید را می زدم. تمام روایت های عاصم بن حمید را آدم جستجو کند،

سوال: ..

پاسخ: خب علی خالی گاهی اوقات مراد علی بن ابراهیم ممکن است باشد. نمی دانم ضمیر هایش را عنه، یک آن هم مکافاتی دارد هر کدام از این ها یک چیزهایی دارد که به هر حال چیز می کرد. این است که غرضم این هست که این یک مقداری الآن چیزهای کامپیوتری خیلی کارها را راحت کرده است ولی باید بشود از برنامه های موجود خوب استفاده کرد. یعنی روش مرحوم بروجردی چون باز ترتیب الاسانید است و خیلی زحمت ایشان کشیده است ولی برنامه های کامپیوتری توانایی های فوق العاده ای می دهد به آدم که آن توانایی ها از ترتیب الاسانید بر نمی آید. ترتیب الاسانید چون ترتیب الفبایی است اصلا این احتمالی که ما اینجا ذکر کردیم به ذهن آقای بروجردی خطور نخواهد کرد. به دلیل اینکه فقط ترتیب الفبایی است دیگر. ترتیب الفبایی اینکه یک عنهما ای اینجا بوده است و نمی دانم عنهما جابه جا شده است امثال اینها. اینها اصلا طبیعتا به ذهن خطور نمی کند. ولی اگر شما مراجعه کردید، دیدید که غالب موارد این دو نفر، دو نفر هم هستند. اینکه این دو نفر به جای اخویه باید باشند خب خیلی به ذهن آدم زود خطور می کند که باید یک عنهما ای باشد عنهما به جای اخویه، این دو نفر برگشته است. این یعنی تتبع خیلی وقت ها اول احتمالات را به ذهن آدم می آورد و این احتمالات را باید آدم بررسی کند بالا پایین کند تا ببیند این احتمال را چه جوری می تواند دنبال کند. یک نکته دیگر هم در مورد آن حدیث دوم بگویم. عن محمد بن قیس عن ابی جعفر علیه السلام قال قضی فی المرأة. اینجا عبارت در تهذیب قضا دارد. اگر قضا باشد ظاهرا مراد حضرت امیر المؤمنین است. چون محمد بن قیس قضاوت های امیر المؤمنین را دنبال کرده است موارد مکرری هم وجود دارد که این قضا، یک جا قضا دارد من جای دیگر به دست آوردم که قضایا امیر المؤمنین اینها دیگر نمی خواهم وارد بحثش شوم موارد مکرری من این سند را مفصل کار کردم که جاهایی که، ولی در استبصار قضا ندارد. قال فی المرأه اذا طلقها. و من فکر می کنم اگر قضا هم نداشته باشد ممکن است همان فی المرأه فی اش مثلا با قضا معلوم نیست این قضا عبارت درست باشد. و احتمال اینکه این اصلا این قضا، چون در نقل قبلی محمد بن قیس هم که هست قضا ندارد. من احتمال می دهم که کلمه قضا اشتباه بوده است و شیخ مثلا بعدا که استبصار را آمده است بنویسد دوباره مراجعه کرده است مستقیم به کتاب علی بن حسن بن فضال دیده است که قضا ندارد امثال اینها به هر حال اینکه این روایت از قضاوت های امیر المؤمنین باشد شاهدی نداریم این مهم است این بحث ها. چون بعضی از اینها را گاهی اوقات حمل به تقیه می کنند به خاطر قول ابو حنیفه. حالا می خوانیم در بحث های بعدی. این که بعضی از روایت های مسئله را، حالا این روایت نه، بعضی از روایت ها را بخاطر قول ابی حنیفه حمل به تقیه می شود. خب حمل به تقیه قول ابی حنیفه در مورد حضرت امیر که نبوده است که حمل به تقیه شود. این است که این روایت آیا از امام باقر علیه السلام نقل شده است یا از حضرت امیر نقل شده است در این جهت خیلی در بحث حمل به تقیه و امثال اینها،

سوال:...

پاسخ: حالا آن توجه گاهی اوقات نشده است که امام باقر هم باشد تغییر نمی کند مسئله. چون امام باقر هم از ابو حنیفه چیز نمی کند. ولی ممکن است باز چیزهای دیگری باشند که اشخاص دیگری وجود داشته باشند که امام باقر نسبت به آن افراد ممکن است تقیه کرده باشند. علی ای تقدیر می گویند شناخت اینکه این روایت از امام باقر علیه

السلام هست و امام باقر فرمودند یا حضرت امیر فرمودند در بحث های مربوط به تقیه و حمل به تقیه و اینها خیلی مهم هست. به نظرم به خصوص آن روایت، قال سمعته دارد. در نقل دیگرش سمعته دارد امثال اینها، اینها را باید قضا غلط باشد. به خصوص استبصار کتاب متأخر است احتمال می دهم ایشان در استبصار دوباره مراجعه کرده است و اشتباهی که اینجا رخ داده است در تهذیب رخ داده است در استبصار تکرار نشده است. خب بحث تمام است فقط یک روایت مانده است که بحث سندی اش را نکرده ایم آن روایت حفص بن غیاث است. این روایت حفص بن غیاث در بحث آینده بحث سندی اش مهم است این است که ما اصلا بحث آینده را شروع می کنیم و بحث آینده این هست که تردیدی نیست در اینکه قاتل عمدی که به ناحق باشد ارث نمی برد. این دیگر قدر متیقن از همه روایات است. بحث ما در آینده قاتل عمدی که به حقٍ کشته باشد. که روایت حفص بن غیاث در مورد او هست و می گوید که ارث می برد. قاتل قتل به حقٍ خب آن روایت حفص بن غیاث را در آن بحث بحث می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد